

یادداشت

عقلانیت

در اجتماعات دانشجویی

مهدی خلیلی*

● ابونصر فارابی، بزرگ‌فیلسوف تاریخ تمدن ایرانی- اسلامی، در بحث از سعادت، در کنار مؤلفه‌ها و عواملی که برمی‌شمارد و نقش هرکدام را در رسیدن هر فرد به سعادت توضیح می‌دهد، بر مؤلفه‌ای متمایز تاکید می‌کند که بیش از اینکه جنبه‌ای شخصی- فردی داشته باشد، وجهی جمع‌گرایانه و ناظر بر اجتماع‌پذیری و گرایش فطری انسان به اجتماعی بودن دارد. از نظر فارابی، آنچه سرنوشت انسان را در نیل به سعادت تحت تأثیر قرار می‌دهد، مشارکت اجتماعی است. در واقع، از منظر این فیلسوف، سعادت حقیقی زمانی برای فرد حاصل می‌شود که در او ملکه خیر شکل گیرد و ملکه خیر زمانی در انسان به وجود می‌آید که افعال خیر انجام دهد و انجام افعال خیر نیز زمانی برای فرد میسر است که این‌گونه افعال در جامعه رواج یابد و این امر نیز مستلزم اراده جمعی و نظام سیاسی حاکم است. بنابراین افراد طالب سعادت نیز ملزم به تشکیل جامعه و گروه‌های اجتماعی هستند.

بر اساس چنین رهیافتی به مسئله اجتماع و نیز پیوند آن با مسئله سعادت، می‌توان اهمیت و ارزش اجتماعات را در گستره اجتماعی به صورت اعم و نیز اجتماعات دانشجویی به شکل اخص دریافت. اگر در مقام تعریف و تحدید مفهومی، اجتماعات دانشجویی گروه‌هایی در نظر گرفته شوند که هم‌زمان درون دو کلیت یا نظام اجتماعی با عنوان نهاد دانشگاه و نظام اجتماعی، در پیوند، کنشگری و درهم‌تنیدگی به سر می‌برند، می‌توان ادعان کرد اجتماعات دانشجویی (در تمام فرم‌ها، قالب‌ها و ویژگی‌های آن به شکل اعم)، دو سطح کارکرد در سطوح نظام‌های اجتماعی دارند؛ اول، در سطح دانشگاه و بعد از آن، در سطح جامعه‌ا. از نظر مصداقی نیز می‌توان هر نوع اجتماع و تشکل دانشجویی را در درون دانشگاه را در ذیل مفهوم اجتماعات دانشجویی گنجانند. برای نمونه، انجمن‌های علمی و کانون‌های فرهنگی و هنری دانشجویان با همه دایره تنوع و تکثر آنها، دفتر تحکیم وحدت و تشکل‌هایی از این دست را می‌توان نام برد.

بنابراین اجتماعات و تشکلهای دانشجویی، از یک طرف می‌توانند کارکردهایی درون نهاد دانشگاه داشته و مربوط به آن باشند و از طرف دیگر، به کل نظام اجتماعی و خرده‌سیستم‌های داخل آن مرتبط شوند. درعین‌حال، آنچه به تمام این کنشگری‌ها در اجتماعات دانشجویی رنگ‌بویی متمایزی می‌بخشد و هم‌زمان خط تفریقی میان آن با دیگر اجتماعات در بدنه جامعه می‌کنشد، وجه انتقادی کنشگری دانشجو در پیوند با این نهادهاست. حضور انتقادی دانشجویست که هم‌زمان پای مفهوم عقلانیت را به‌مثابه مهم‌ترین و متمایزترین خصیصه دانشجو در قیاس با طیف‌های اجتماعی باز می‌کند. آنچه در این میان مسئله اجتماعات دانشجویی را با مفهوم عقلانیت (با درنظرداشت دامنه بسیار بسط و متکثر این مفهوم در مقام تعریف) پیوند می‌دهد، وجهی از عقلانیت است که در دو بُعد نظری و عملی، دانشجو را هم‌زمان هم به نیروی استدلال و استقرا و دیگر فنون مندرج در عقلانیت نظری مسلح کرده و هم او را واجد شرایطی می‌کند که در مقام و موقعیتی نسبتاً متمایزتر، عقلانیت عملی را (یعنی وجهی از عقلانیت که با سنجش رفتارها و اعمال در ارتباط است) تقویت و از آن در راستای ساخت زیست‌جهانی بهتر بهره‌مند می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۳

شهرزاد همتی؛ در هفته‌های گذشته، دو مرجع دانشگاهی کشور آبستن حوادثی بودند که بنایش متعلق به سال‌های پیش بود. از یک طرف دوباره بحث‌های پیشین دانشگاه وزارت نفت بعد از کاهش بودجه وزارت نفت و واگذاری آن به وزارت علوم به میان آمد و از طرف دیگر دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی به‌دلیل زرمه‌های خصوصی‌سازی دانشگاه‌های علوم پزشکی تجمع و اعتراض کردند. در این گزارش به آنچه در هفته‌های گذشته به دانشجویان این دو دانشگاه گزشته خواهیم پرداخت.

خصوصی‌سازی دانشگاه به قیمت جان مردم

۲۲ دی بود که خبر تجمع دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز، در اعتراض به آنچه خصوصی‌سازی دانشگاه عنوان شده بود، روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار گرفت. تاکید این دانشجویان بر اهمیت آموزش پزشکی و همچنین اجرای آیین‌نامه بازنگری موضوع خصوصی‌سازی رشته‌های پزشکی بود. ماجرای این اعتراض به یک آیین‌نامه بازمی‌گردد. در دی‌ماه سال جاری معاونت آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی آیین‌نامه‌ای را ابلاغ کرد که در آن به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی اجازه می‌داد دانشگاه علوم پزشکی شود که تمامی این امکانات مورد مسئله‌ای بود که موج نگرانی را در میان پزشکان و دانشجویان ایجاد کرد. آنها می‌گویند مطابق این آیین‌نامه تخصص تحصیلی برای مؤسسان این دانشگاه‌های خصوصی اهمیتی ندارد. چیزی که وزارت بهداشت در پاسخ به این نگرانی عنوان کرده این است که این آیین‌نامه مختص سرمایه‌گذاران خارجی است و در صورت ابلاغ‌نشدن این آیین‌نامه، این امکان وجود داشته باشد که عده‌ای با گرفتن مجوز از نهادهایی غیر از وزارت بهداشت اقدام به تأسیس کنند و باید این نکته را هم در نظر گرفت که تأسیس دانشگاه علوم پزشکی کار ساده‌ای نیست و سخت است و سودآوری هم ندارد! رسول مرکزی، فعال دانشجویی و دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی زنجان و دبیر صنفی بیست‌ودومین دوره سمینار دانشجویان داروسازی ایران، در گفت‌وگو با «شرق» دراین‌باره می‌گوید: پاسخ به توجیهات، حضور دانشگاه‌های خارجی در کشور زمانی مفهوم دارد که دانشگاه‌های داخلی نتوانند پاسخ‌گوی نیاز کشور باشند، اما وقتی درحال حاضر فراتر از نیاز داخلی نیرو تأمین می‌شود، نیازی به حضور دانشگاه‌های خارجی و خصوصی‌کردن آموزش نیست، کمااینکه ابلاغ قانون تأسیس پردیس‌های بین‌الملل برای دانشگاه‌های علوم پزشکی با همین هدف و در جهت آزرآوری برای کشور بود، اما هم‌اکنون به وسیله‌ای برای اجبران کمبودهای اقتصادی دانشگاه‌ها تبدیل شده است. بنابراین اگر هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی بود، در همان ایده پردیس‌های بین‌الملل قابل اجرا بود. بیم آن می‌رود با توجه به تجربه در این موضوع شاهد سرمایه‌گذاری خارجی نباشیم و فقط شاهد حضور سرمایه‌گذاران پول‌پرستی باشیم که با دوردزدن مفاد آیین‌نامه از طریق نفوذ و رانت‌های سیاسی به تأسیس دانشگاه‌های علوم پزشکی خصوصی بی‌کیفایت دست بزنند و جان مردم را به خطر بیندازند. وی افزود: عده‌ای از افرادی که با استفاده از نفوذ خود توانستند نهاد متولی امور آموزش علوم پزشکی کشور را دور بزنند و تلاش کنند از مسیرهای غیرقانونی مجوز تأسیس دانشگاه بگیرند، حال با این آیین‌نامه به‌راحتی قدرت قانونی تأسیس را پیدا می‌کنند و از رانت خود برای دوردزدن مفاد آیین‌نامه استفاده می‌کنند و بدون رعایت کامل مفاد دست به تأسیس دانشگاه علوم پزشکی می‌زنند و از این طریق جان مردم را تهدید می‌کنند. درحال‌حاضر بسیاری از دانشگاه‌های کشور که زیر نظر مستقیم وزارت بهداشت،

بررسی اعتراضات دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و دانشگاه نفت به ابلاغیه و مصوبات اخیر

خصوصی‌سازی تحصیل پزشکی



متولیان امور بهداشت، درمان و سلامت آینده جامعه را تربیت می‌کنند، با کمبود شدید امکانات آموزشی مواجهند؛ چطور یک نهاد خصوصی می‌تواند متضمن تأسیس دانشگاهی شود که تمامی این امکانات مورد نیاز را تأمین کند و درعین‌حال سود هم ببرد؟ توجیه آخر ساده‌ترین و بیش‌یاافتاده‌ترین توجیه وزارت بهداشت درباره ابلاغ این آیین‌نامه است. این توجیه پس از مواجه‌شدن وزارت بهداشت با حملات شدید دانشجویان علیه این آیین‌نامه نمایان شد. تأسیس دانشگاه علوم پزشکی خصوصی هیچ اساس علمی‌ای ندارد زمانی که نیاز کشور نسبت به همه نیروهای لازم در بحث درمان و علوم پزشکی از طریق دانشگاه‌های علوم پزشکی دولتی حاضر تأمین می‌شود. اگر اساسا درخواستی برای تأسیس وجود نداشته باشد یا به علت هزینه‌های سنگین به وجود نیاید، پس توجیه وزارت بهداشت برای این ابلاغ چیست؟ آن‌هم در زمان امتحانات که احیاناً بتواند از موج

حملات دانشجویان بکاهد، طبیعتاً خواسته مطلق همه دانشجویان علوم پزشکی کشور لغو هرچه‌سریع‌تر این آیین‌نامه خسارت‌بار است، بدون هیچ پیش‌شرطی، وزارت بهداشت با این عمل پیش‌زمینه لازم برای کاهش کیفیت خدمات درمانی و بهداشتی و در نهایت به‌خطرافتادن سلامت مردم را مهیا کرده است. محمد جودکی، دبیرکل مجمع شوراهای صنفی دانشجویان علوم‌پزشکی کشور و دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه علوم‌پزشکی اهواز، نیز به «شرق» گفت: دو هفته پیش معاونت آموزشی وزارت بهداشت آیین‌نامه‌ای را برای اجراکردن ابلاغ کرده‌اند که مطابق آن، به بخش خصوصی اجازه تأسیس دانشگاه علوم‌پزشکی داده می‌شود، یعنی اگر بخش خصوصی یک‌سری مفاد آیین‌نامه را رعایت کند، می‌تواند دانشگاه علوم‌پزشکی خصوصی تأسیس بکند. این در حالی است که به صورت کلی، اصلاً خصوصی‌سازی آموزش در کشور ما تجربه مثبتی نیست؛ چراکه مفاد آن آیین‌نامه را رعایت‌کردن نیز کار هیچ‌کس در بخش خصوصی نیست. او افزود: اگر در بخش‌هایی غیر از سلامت، دستورالعمل‌ها رعایت نشود، شاید مشکلات به چشم نیایند، برای اینکه سلامت مردم را نشانه

دانشجویان علوم‌پزشکی کشور و دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه علوم‌پزشکی اهواز، نیز به «شرق» گفت: دو هفته پیش معاونت آموزشی وزارت بهداشت آیین‌نامه‌ای را برای اجراکردن ابلاغ کرده‌اند که مطابق آن، به بخش خصوصی اجازه تأسیس دانشگاه علوم‌پزشکی داده می‌شود، یعنی اگر بخش خصوصی یک‌سری مفاد آیین‌نامه را رعایت کند، می‌تواند دانشگاه علوم‌پزشکی خصوصی تأسیس بکند. این در حالی است که به صورت کلی، اصلاً خصوصی‌سازی آموزش در کشور ما تجربه مثبتی نیست؛ چراکه مفاد آن آیین‌نامه را رعایت‌کردن نیز کار هیچ‌کس در بخش خصوصی نیست. او افزود: اگر در بخش‌هایی غیر از سلامت، دستورالعمل‌ها رعایت نشود، شاید مشکلات به چشم نیایند، برای اینکه سلامت مردم را نشانه

نظر وزارت علوم خواهند بود، معنای دیگری ندارد. دانشجویان دانشگاه صنعت نفت که در سال‌های گذشته هر بار با یک تصمیم از سوی وزارتخانه مواجه بوده‌اند، حالا می‌گویند واگذاری دانشگاه صنعت نفت به وزارت علوم، با تعطیلی این دانشگاه هیچ فرقی ندارد. آنها که می‌دانند سال‌هاست وزارت نفت دنبال آن است که از زیر بار مسئولیت استخدام دانشجویان این دانشگاه خارج شود و این تعهد را بردارد، این ماجرا را نیز دلیلی برای این می‌دانند که وزارت نفت بتواند از این مسئولیت شانه خالی کند. دانشجویان دانشگاه‌های نفت می‌گویند بلایی که سر دانشگاه صنعت نفت می‌آید، همان بلایی است که سر دانشگاه متعلق به وزارت نیرو، یعنی دانشگاه عباس‌پور، پس از الحاق به وزارت علوم آمد و حالا به‌عنوان پردیس دانشگاه شهید بهشتی فعالیت می‌کند. خلیل تاجی، دانشجوی دانشگاه صنعت نفت، به «شرق» می‌گوید: این دانشگاه ۸۰ سال است در دل مناطق نفتی تأسیس شده تا فارغ‌التحصیلانش بتوانند با صنعت نفت ارتباط داشته باشند. پیوند دانشجویان این دانشگاه با این صنعت، با این صنعت، با دیگر دانشگاه‌ها متفاوت است. حتی زمان جنگ که دانشگاه زیر بمباران بود، بازهم محل این دانشجویان دانشگاه نشده و دیلش همین صنعتی‌بودن دانشگاه بود و اگر منتقل می‌شد، فلسفه وجودی آن زیر سؤال می‌رفت. اصرار ما هم برای اینکه این دانشگاه زیر نظر وزارت نفت بماند، این است که ما بتوانیم نیازهای وزارت نفت را بشناسیم و در فضای آنها کار کنیم. او افزود: از طرفی به نظر این واگذاری غیرقانونی است؛ چراکه مطابق قانونی که در سال ۹۱ در مجلس تصویب شده، وزارت نفت به حفظ و تقویت دانشگاه نفت مکلف شده است؛ اما امسال در قانون بودجه که قانون سنواتی و سالانه است و حق سیاست‌گذاری ندارد، برخلاف قانون مصوب مجلس بند واگذاری دانشگاه نفت به وزارت علوم را گنجانده‌اند. تأسیس دانشگاه صنعت نفت به سال ۱۳۱۸ بازمی‌گردد. اولین دانشگاه نفت در شهر آبادان تأسیس شد و در سال‌های گذشته فارغ‌التحصیلان زیادی را پرورش داده است. مسئله اینجاست که عدالت آموزشی می‌گوید اگر هر وزارتخانه و نهادی بخواهد برای خودش دانشگاه تأسیس کند و فارغ‌التحصیلان خود را استخدام کند، تکلیف دانشجویان دیگر دانشگاه‌ها چه خواهد شد.

درحال‌حاضر وزارت بهداشت، نیروهای انتظامی و نظامی و دستگاه‌های قضائی، آموزش‌وپرورش و وزارت نفت جزء نهادهایی هستند که دانشگاه دارند و این همیشه یکی از چالش‌های بزرگ برای وزارت علوم محسوب می‌شد؛ اما مسئله اینجاست؛ حالا که دانشگاهی با پتانسیل بالا با دانشجویانی در حال فعالیت است که جزء رتبه‌های برترت کنکور محسوب می‌شوند، این اصرار به اضمحلال از کجا ناشی می‌شود؟ پیام زمانی، دانشجوی دانشگاه صنعت نفت، درباره اتفاقات اخیر دانشگاه نفت به «شرق» می‌گوید: این داستان همیشه برای ما تکرار می‌شود. گویا این برنامه‌ای است که وزارت نفت برای دانشگاه داشته و حالا به طرق مختلف سعی در اجرای آن دارد. حالا بندی از لایحه پیشنهادی بودجه سال ۹۸ به دولت اجازه می‌دهد دانشگاه‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی را به وزارت علوم واگذار کند، عنوان این طرح این است که متولی آموزش، این نگاه است که در کشور فقط دستگاه وزارت علوم است. یکی از این دانشگاه‌ها که در این دسته می‌گنجد، دانشگاه‌های نفت است. حالا باید دید این تصمیم قانونی است یا خیر و اینکه چرا باید دانشگاه نفت به چنین روزی گرفتار شود؟

ادامه در صفحه ۱۳

سودوکو سخت ۲۲۹۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۲۲۹۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو سخت

۸	۶	۱	۲	۳	۷	۴	۵
۷	۱	۴	۸	۴	۵	۳	۹
۵	۳	۹	۶	۷	۲	۸	۱
۴	۳	۶	۲	۷	۹	۱	۵
۴	۵	۱	۳	۸	۹	۶	۷
۹	۷	۸	۵	۱	۳	۶	۲
۳	۹	۵	۷	۸	۴	۲	۱
۱	۸	۴	۳	۹	۶	۵	۷
۶	۲	۵	۱	۴	۸	۹	۳

حل سودوکو ۲۲۹۷

۱	۳	۶	۲	۷	۴	۸	۹	۵
۲	۷	۹	۸	۳	۵	۶	۴	۱
۵	۴	۸	۳	۶	۹	۱	۳	۷
۸	۹	۳	۱	۶	۲	۵	۷	۴
۶	۲	۷	۵	۸	۹	۱	۳	۴
۴	۱	۵	۳	۲	۷	۹	۶	۸
۳	۶	۵	۸	۴	۱	۹	۷	۲
۷	۸	۱	۹	۴	۳	۵	۲	۶
۹	۵	۴	۱	۶	۲	۷	۸	۳

جدول ۳۳۰۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ت	ب	ر	ی	ک	۴	۱	۵	۳	۸	۲	۷	۹	۶
۲	۴	۱	۵	۳	۸	۲	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷
۳	۴	۱	۵	۳	۸	۲	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷
۴	۵	۳	۸	۲	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷	۹	۶
۵	۳	۸	۲	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷	۹	۶	۵
۶	۵	۳	۸	۲	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷	۹	۶
۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷
۸	۳	۶	۲	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷	۹	۶	۵
۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷	۹
۱۰	۳	۶	۲	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷	۹	۶	۵
۱۱	۳	۶	۲	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷	۹	۶	۵
۱۲	۳	۶	۲	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷	۹	۶	۵
۱۳	۳	۶	۲	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷	۹	۶	۵
۱۴	۳	۶	۲	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷	۹	۶	۵
۱۵	۳	۶	۲	۷	۹	۶	۵	۴	۱	۳	۷	۹	۶	۵

نگاه

شیوه‌ای ناکارآمد

در بهسازی آموزش

مهدی بهلولی • آموزگار و کنشگر صنفی

● آیا دولت حق دارد دانش‌آموخته بی‌کاری را با حقوق ماهانه ۵۰۰ هزار تومان به کار گیرد و او را با همین حقوق اندک و بدون هیچ امتیاز دیگری -برای نمونه بیمه درست و حسابی یا محاسبه پیشینه کاری برای بازنشستگی- و با کمترین (و حتی هیچ) آموزشی درباره آموزشگری، به عنوان آموزگار به کلاس درس بفرستد و در دفاع از کار خود به صرفه‌جویی اقتصادی استاد بدهد و اینکه اگر طرف راضی و خوشحال از همین ۵۰۰ هزار تومان نبود، این کار را نمی‌پذیرفت؟ من گمان می‌کنم یک وجه بنیادی این پرسش، وجه اخلاقی است و اندیشه‌وران اخلاقی می‌توانند به آن بپردازند، اما پاسخ ساده و شهودی این نگارنده این است که این کار، اخلاقی نیست و بیش از اینکه بتوان آن را «استخدام» نامید، باید به آن «استثمار» گفت. البته مسئله زمانی تأسف‌بارتر می‌شود که همین حقوق اندک، با تأخیر چندین ماهه پرداخت شود. همین‌جا بد نیست به زنده‌یاد حمیدرضا گنگوزهی اشاره کنم که آموزشگری از همین دست -خرید خدمتی- بود و در نخستین سال کاری‌اش، زیر آوار دیوار مدرسه در سیستان وبلوچستان ماند و جان باخت. گنگوزهی پس از ۹ ماه کار، ریالی از آموزش‌وپرورش نگرفته بود.

اما حق و حقوق آن سوی کار، دانش‌آموز، هم به میان می‌آید. شعار ۲۰۱۸ یونسکو به مناسبت پنجم اکتبر، روز جهانی آموزشگار، این بود: «حق به آموزش، به معنای حق به آموزگار شایسته [آموزش‌دیده و دارای صلاحیت] است». یعنی اگر از این سخن می‌رود که هر کودکی، حق بهره‌مندی از آموزش‌وپرورش را دارد، به معنای این است که باید از آموزشگاران آموزش‌دیده و آگاه به آموزشگری و آموزش‌شناسی [پداگوژی] برخوردار باشد. آموزشگری یک هنر است و کسانی که هم‌اکنون به‌صورت قراردادی و پیمانی و خرید خدمت به آن مشغول‌اند می‌توانند به‌طور ذاتی از این هنر برخوردار باشند و ارقضا آموزگارانی ارزشمند هم به شمار آیند، اما آموزشگری یک دانش هم هست که باید آموخته و درونی شود. هم‌اکنون در جهان پیشرو آموزش، یکی از شرایط بهسازی آموزش‌وپرورش و داشتن نظام آموزشی کیفی را برخورداری از یک نظام کیفی پرورش آموزگار می‌دانند. چنین به نظر می‌رسد که یکی از محل‌های اختلاف اصلی اندیشه آموزشی با اندیشه اقتصادی چیره بر بخش بزرگی از جهان، همین دوره‌های پرورش آموزگار کیفی و تا اندازه‌ای هزینه‌بر است. درحالی‌که اندیشه آموزشی، با نگاهی بلندمدت و اخلاق‌مدار، بر پرورش کیفی آموزگار و پرداخت حقوق شایسته یک زندگی شرافتمندانه به آموزگار و دانشجو-آموزگار پای می‌فشرد. اندیشه اقتصادی با نگاهی کوتاه‌مدت، به حذف این دوره‌ها نظر دارد و سفارش می‌کند که در آموزش‌وپرورش، از دانش‌آموختگان بی‌کاری بهره گرفته شود که حاضرند با کمترین دستمزد کار کنند. بنا به گفته برخی اندیشه‌وران آموزشی، این نگاهی است که بانک جهانی دارد و سال‌هاست به دولت‌های همیسته خود سفارش می‌کند. اما این راه و رویکرد افزون بر اینکه اخلاقی نیست، با تجربه‌های جهانی کامیاب بهسازی آموزش‌وپرورش هم سازگار نیست.